

## حوادث ورزش اصفهان، زنگ خطری برای مسئولان کشور است

# تبخیر امنیت آبی



نجمه جمشیدی

ناقوس جنگ آبی، مارش جنگ آبی زیر گوش وزارت خارجه، مسرگ کارون با «ونک»، جولان صنایع آب بر در فلات مرکزی، خطر خزر کشی، انتقال آب از کارون با فشار سیاست، توهم آبی در فلات مرکزی و... عنوان گزارش هایی است که بهار هادر آن هانسبت آغاز جنگ آبی در ایران هشدار داده بودیم. هشدارهایی که هیچ گوش شنوایی برای آن ها وجود نداشت.

آب، مایه حیاتی است که در ایران کمیاب شده و حال روز کشور را ناخوش کرده است. بحران در مدیریت منابع آبی کشور علاوه بر فجایع زیست محیطی به امنیت ملی کشور و رابطه بین اقوام ایرانی خسارت های بزرگی وارد آورد. جامعه سیاه اصفهان و درگیری میان کشاورزان شرق اصفهان با نیروی انتظامی به دلیل شکستن خط لوله انتقال آب اصفهان به یزد و قطع آب در یزد، نهاده نمونه کوچکی از این لگنت میان اقوام ایرانی یا هشدار شروع جنگ آب در ایران است.

داستان پرغصه آب در ایران زمین به چندین دهه قبل بازمی گردد از ۶ دهه پیش تاکنون مدیریت آب کشور بر پایه یک الگوی ناسازگار با بوم شناخت کشور بنا شده است که انتقال آب، ساخت و ساز بتنی و سدسازی را تنها شیوه مدیریت آب می داند؛ پروژه های آبی که تنها سبب خشک شدن رودها و سفره های زیرزمینی شده اند. امروز تا حدودی تمامی رودخانه ها، تالاب ها و دریاچه های مهم کشور خاموش و خشک شده اند. هشدارهای کارشناسان و دلسوزان این آب و خاک، کمری مصلحتی کارگزاران دولتی و بخش خصوصی، اجازه نشدند به هشدارها برانداخته و هم اکنون در دست درپن فاجعه قرار داریم. جوامع بومی مولدباشمقت و مصائب فراوان دست به گریبان هستند و بخش بزرگی از کشاورزان از شمسند و مولدان خوراکی و تامین کنندگان امنیت خوراکی، آوار و بیکار شده اند. سفره های زیرزمینی افت شدید داشته اند؛ گاه تا ۲ متر بیشتر که به طور تقریبی در بسیاری از نقاط به فرونشست زمین انجامید و بنابراین دیگر قابل جبران نیست یا جبران آن بسیار دشوار خواهد بود.

### اقوام ایرانی زخمی پروژه های انتقال آب

بیش از ۵۰ درصد مساحت و ۲۷ میلیون نفر از جمعیت کشور در معرض تنش آبی قرار دارند. به گزارش ناسا، ایران سه دهه خشکسالی شدید را پیش روی دارد. براساس آمار سازمان محیط زیست، سالانه بیش از ۹۰ درصد منابع آبی کشور مصرف می شود که از این میزان تنها ۴ درصد جایگزین خواهد شد. براساس آمار وزارت نیرو، شاخص پایش منابع آب کشور در نیمه نخست سال آبی نشان دهنده آن است که ۱۲ استان کشور در دسته مناطق دارای «تنش آبی شدید» قرار دارند. محمد درویش، کارشناس محیط زیست با اشاره به اینکه حتی اگر خسارت های جبران ناپذیر پروژه های انتقال آب و سدسازی به توان آکولوژیک کشور وارد نظر نگیریم، جراحی که غلبه تفکر سازهای در مدیریت آب کشور بر رابطه بین اقوام ایرانی نهاده ر نمی توانیم فراموش کنیم. او به «قانون» می گوید: «خوزستان با اصفهانی ها درگیر شده و در پیامد خشکی نخلستان هادر آلود کنار، جریان های بان عربیسم فرصت ظهور یافته اند؛ مگر کینه به وجود آمده بین مردم انلیگو در زونک نام پذیر است؟ مگر حادثه تلخ دروزنه و کودورت بین یزدی ها و اصفهانی ها رافرموش کرده ایم؟ مگر نمی بینیم که در ماجرای گلاب ۲، بین کشتی ها و چهارمچالی حاجتگی اعلام نشده آغاز شده؟

مگر بهشت آباد اصفهانی ها برای بختیاری ها تعصیب به چشم نمی شود؟ مگر کورنگ دروزنه و زنگ خطری برای کتول به استان سمنان، مردم معترض را به مقابل استانداری گلستان نکشیده؟ مگر بر سر طرح انتقال آبسیز کوه چندین نفر به زندان بنفشداند و رابطه مردم در ناغان و بروجن تیره نشده است؟ مگر اطلاع نداریم که نریزی ها و اصفهانی ها با یکدیگر فروری هاوسدات شهری هاریر سرخنگان به مجادله رسیده اند و مگر فلجان جریانات خطرناک بان ترکیسم، راز پس احداث ۷۲ سدبر حوضه بخیزدریاچه ارومیه راز آباد کردیم؟ این در حالی است که ماجرای غنای سد دریا بان کتول، بل، احداث سد های متعدد روی اثرک و خشک شدن تالاب هادر بخش ترکمنستان گلستان، ماجرای آب و قصه پرغصه دزدی آباز جازمیریان و هورالعظیم و شادگان و حله و تالاب شور و شیرین میناب و خصومت مینابی ها یا اهالی بندر عباس بر سر سد استقلال و ده ها مورد دیگر مثل انتقال آب از زنجان به همدان از طریق سد تالوار یا ماجرای سد مرانش و آلودگی های ناشی از معادن انگور با یاسد خواسنار که به زودی در دامنه اختلافات بین یزد و فارس می افزاید؛ همچنین سد خراسان سه یا شافارود که هم اکنون هم در لردگان و گیلان اعتراض هایی را رقم زده دو... همچنان داغ داغ دارد بر وحدت ایرانیان خنجر می زند».

### بذر نفاق که دروزنه کاشته شد

هنگامی که از بحران آبی و خشکسالی سخن می گوئیم، ناخدا گاه به یاد فلات مرکزی ایران می افتیم. در این سال ها پروژه های انتقال آب در کشور از سرشاخه های کارون بزرگ در حالی بانام آب شرب اجرامی شوند که به کام صنایع و کشاورزی هستند. مسئولان از یک سوی، مردم را به صرفه جویی در مصرف آب دعوت می کنند و از سوی دیگر با فریبکاری و تحت فشار لابی های سیاسی، تبشیه به ریشه منابع آبی کشور می زنند. فلات مرکزی ایران نشسته است و عطشی تمام نشدنی برای بلعیدن آب شیر شاخه های کارون دارد چه

چرا یزد با وجود بحران آبی و خشکسالی، ۶۵ درصد سدسفال و کاشی این کشور را تولید می کند؟ چرا این استان یکی از پنج استان تولید کننده گوشت قرمز کشور است؟ چرا یزد صادر کننده خیابار است؟ چرا در این استان کارخانه یزد تایر وجود دارد؟

شهر نیر زمینی رسد. چرا که به ازای هر یک لیتر آبی که انتقال داده شد، ۶ لیتر بارگزار می انجامد. اگر از همان ابتدا طرح انتقال آب اجرائی شد، هرگز ذوب آهن و فولاد مبارکه در اصفهان مستقر نمی شدند و دوام نمی آوردند.

همچنین وسعت اراضی کشاورزی در اصفهان پنج برابر افزایش نمی یافت و محصولات آبرسی مانند برنج در این استان جولان نمی دادند. نکته قابل توجه در باره اصفهان اینجاست که مسئولان اشتغال زایی را بهانه توسعه صنایع و کشاورزی اصفهان اعلام می کنند این در حالی است که در چند دهه اخیر به گردشگری این استان آن گونه که باید توجه نشده است گردشگری در اولویت آن هانمید؛ چرا که بسیاری از مسئولان این استان بر این باورند که گردشگری خارجی فرهنگ وارزش های دینی مردم اصفهان را به خطر می اندازد. در شمال شرق اصفهان الگوی خوبی برای توسعه گردشگری وجود دارد. مناطقی مانند بیابانک، جندق و مصر در دوره های آلی سکنه شدند اما با اجرای طرح های گردشگری دوباره رونق پیدا کرده و شاهد رشد جمعیت در این مناطق هستیم هم اکنون تیرو گاه ۲۸ مگاواتی انرژی خورشیدی در اصفهان در حال احداث است این گونه پروژه ها مزیت های واقعی اصفهان هستند.

برای نجات فلات مرکزی ایران نیازمند مدیران و مردمی هستیم که شجاعت اعتراف به اشتباهات گذشته را داشته باشند و آماده جبران آن خطاهایم باشند.

### بارگذاری های غلط

از یک سو بارگذاری های غلط در فلات مرکزی چه بهانه صناعت یا کشاورزی و از سوی دیگر احداث چندین سد بر کارون تیشه به ریشه منابع آبی ایران زده است. در حال حاضر پنج سد غربایی که ظرفیت ذخیره ۱۴ میلیارد متر مکعب آب را دارد روی کارون احداث شده این در حالی است که کل آورده آب کارون بزرگ در شرایط نرمال ۱۴ میلیارد متر مکعب بوده است. ما با سدهایی مواجه هستیم که آب در آن ها نیست و ستر مایه گذاری روی آن ها انجام شده و این سدها ۵۰ میلیون متر مکعب در سال تبخیر دارند یعنی به اندازه سد کرج تبخیر آب داریم. همچنین وزارت نیرو در اقدام جالبی احداث ۱۶ سد دیگر روی کارون بزرگ را در دست مطالعه و اجراء دارد. آینده ای که در آن نابودی کارون و در پی آن خوزستان و ایران رخ خواهد داد. در میان این بحران آبی، مدیری در سازمان محیط زیست روی کار آمد که از همان روزهای نخست امید کارشناسان و فعالان محیط زیست را با سخنان خود نا امید کرد. با انتخاب کلاتری به عنوان رییس سازمان حفاظت محیط زیست شاهد صدور مجوزهای انتقال آب در کشور هستیم. پروژه هایی که امنیت ملی ایران بان را نشانه رفته است. درویش در این باره می گوید: «موافقت با اجرای پروژه های انتقال آب، تکرار تجربه تلخ ارومیه در تمام کشور است. در حوضه ابخیز دریاچه ارومیه میانگین ریزش آبی سالانه حدود دو برابر متوسط کشور است اما با مدیریت غلط بزرگترین بحران بیابان زایی جهان را پدید آوردیم که قصه آن در کتاب های درسی کودکان استرالیایی به عنوان درس عبرت، روایت می شود. متأسفانه نسبت در حوضه های انتقال آب شرب، حرکت کنند. مساله ای که این استان شده است. فرونشست زمین در مناطقی که صنایع مستقر شده اند و توسعه بخش کشاورزی، یکی از پیامدهای منفی این توسعه صنعت است. حال سوال اینجاست که چرا تاکنون دولت فریبکاری کرده و به بهانه شرب آب این همه پروژه برای توسعه صنایع تعریف می است. تأمین آب شرب را می توان تنها با یکی از این پروژه ها برای همیشه حل کرد.

### سخن آخر

همیشه پای آب در بسیاری از جنگ های تاریخ در میان بوده است. کم نیستند کشورهایی که به خاطر آب با همسایه خود درگیر یا دچار جنگ های داخلی در میان اقوام خود شده اند. مردم کشور ما از نزدیک جنگ به بهانه آب را با گوشه خونی و خون خود لمس کرده اند؛ هشت سال جنگ محصلی بارزترین نمونه آن است. جنگی که به بهانه ادعای مالکیت عراق بر رودخانه اروندرود رخ داد و بیش از یک میلیون نفر در آن کشته شد. در این سال ها که کشورهای همسایه مانند ترکیه و افغانستان با اجرای پروژه های آبی موجب تشدید بحران خشکسالی می گردند در ایران شده اند مدیریت اشتباه در منابع آبی کشور نیز به مفضل دیگری برای این سرزمین تبدیل شده است. در چند ماه اخیر دولت ایران به دولت ترکیه در خصوص پروژه های سدسازی همچون آتاتورک و ایلیسو اعتراض های فراوانی داشته اما نکته قابل توجه پاسخ دولت ترکیه این اعتراض هابوده است. آن هابه مسئولان ایرانی گفته اند کدام دولت مسئول خشک شدن ارومیه، بختگان، گاوخونی و صدها تالاب و رودخانه دیگر در ایران است؟ در میان حراج آب در ایران حال چه اصفهان یا خشکسالی و بحران آبی دست و پنجه نرمی کرد. اما زمانی که حلقه اصفهان دور برابرد، حتی آب خود این

- جراحی که غلبه تفکر سازهای در مدیریت آب کشور بر رابطه بین اقوام ایرانی نهاده امنی توانیم فراموش کنیم
- تاکنون درگیری های بسیاری بر سر آب در کشور رخ داده است اما اتفاقی که دروزنه رخ داد، زنگ خطری برای مسئولان کشور است
- فلات مرکزی ایران تشنه است و عطشی تمام نشدنی برای بلعیدن آب سر شاخه های کارون دارد. در این سال ها هر چه خواسته، به او داده اند
- تازمانی که درک نکنیم آن موردی که در این کشور بحران آفرین است تنگناهای اقلیمی نیست بلکه نگاه غلط مدبریتی برای تولید پول است. همچنان شاهد وقوع چنین ماجراهایی خواهیم بود
- جمعه سیاه اصفهان و درگیری میان کشاورزان شرق این استان و بانبروی انتظامی به دلیل شکستن خط لوله انتقال آب اصفهان به یزد، تنها نمونه کوچکی از شروع جنگ آب در ایران است

است. همچنان شاهد وقوع چنین ماجراهایی خواهیم بود. اما اجرای روزنه از اینجاشروع می شود که به استقرار صنایع و خدماتی در مناطق می پردازیم که دولت توان مدیریت آن را ندارد. مشکل بحران در یزد، اصفهان، کرمان و سمنان از اینجاشروع شد که ما بدون توجه به حقایق جغرافیایی و بوم شناختی اقدام به استقرار صنایعی کردیم که توان هیدرولوژیکی منطقه جوابگوی به این صنایع نمید. پس از آن برای حل مشکلات به وجود آمده مجبور به اجرای طرح های انتقال آب شدیم. اگر مشکل کمبود آب ببحران خشکسالی در استان یزد وجود دارد، حال چندین پرسش مطرح است: چرا یزد ۶۵ درصد سدسفال و کاشی این کشور را تولید می کند؟ چرا این استان یکی از پنج استان تولید کننده گوشت قرمز کشور است؟ چرا یزد صادر کننده گوشت قرمز در این استان کارخانه یزد تایر وجود دارد؟

### فریبی به نام اشتغال زایی

درویش ادامه می دهد: «توسعه صنایع آبچر یا کشاورزی برای اشتغال دروزنه بزرگ می است. چرا که یزد ۴ درصد نیروی کار خود را از خارج استان وارد می کند چون به اندازه کافی نیروی کار نداشته است. صنایعی در یزد مستقر شده که تناسبا جمعیت این استان نداشته و این مساله بحران ایجاد می کند. ما برای آب شرب اختصاص می دهند، چرا که آن ها نمی خواهند مخالف سیاست دولت یعنی اجرای تنها پروژه های انتقال آب شرب، حرکت کنند. مساله ای که در تحقیق و تفحص باید به آن توجه کرد، توسعه صنایع آبرسی مانند فولادی و کشاورزی در فلات مرکزی ایران است. توسعه ای که تنها توهم آب در این استان به وجود آورده و در آینده مردم این استان را با بحران زندگی مواجه می کند. استان اصفهان به دلیل توسعه صنایعی مانند فولاد، رتبه بالایی در تولید ناخالص ملی در کشور قرار دارد که همین مساله موجب افزایش نرخ مهاجرت به این استان شده است. فرونشست زمین در مناطقی که صنایع مستقر شده اند و توسعه بخش کشاورزی، یکی از پیامدهای منفی این توسعه صنعت است. حال سوال اینجاست که چرا تاکنون دولت فریبکاری کرده و به بهانه شرب آب این همه پروژه برای توسعه صنایع تعریف می است. تأمین آب شرب را می توان تنها با یکی از این پروژه ها برای همیشه حل کرد.

### حقیقه اصفهان دور برابرد اما مشکلات صدرابار

کشورزان اصفهانی در حالی اقدام به شکستن خط لوله انتقال آب اصفهان به یزد کردند که سال هاست مردم دیار چهارمحال و بختیاری و خوزستان به آن هابه عنوان دزد حلقه می نگرند. درویش در این باره بیان می کند: «قصه اصفهان درست همان قصه یزد است و تکرار می شود روزگاری حلقه اصفهان ۸۰ میلیون متر مکعب از سر شاخه های زاگرس بود، حال روزی ایندو رود خوش بود، آب به گاوخونی وارد می شد و اصفهان یا خشکسالی و بحران آبی دست و پنجه نرمی کرد. اما زمانی که حلقه اصفهان دور برابرد، حتی آب خود این

مسئول و کارشناسی با انتقال آب برای شرب مخالف نیست اما پروژه های انتقال آب در سال های اخیر به نام شرب اما به کام صنایع اجرا شده اند، می گوید: «انتقال آب برای شرب است. آبی که در حال حاضر در صنایع فولاد استفاده می شود، فاضلاب شهری توصیه شده است. کارخانه فولاد، فاضلاب شهر را پیش خرید کرده و در صنعت از آن استفاده می کند». حلقه های مهم ترین دلیل اعتراض کشاورزان اصفهان است، حلقه ای که به گفته نا هاسناد حقوقی محکم برای آن وجود دارد. صیغیان در این باره می گوید: «در بحث حلقه ای که مطرح شده، حق و حقوق کشاورزان باید محقق شود و دولت باید آن را پرداخت کند. اما مساله مهم این است که یزد آب ندارد و بنابراین این موضوع تحت تاثیر دیگر مسائل قرار گیرد. نباید چنین دیدگاهی وجود داشته باشد که اجازه انتقال آب از کوهرنگ در استان چهارمحال بختیاری به اصفهان یا خوزستان منتقل شود. با چنین دیدگاهی اجازه انتقال نفت از خوزستان به دیگر نقاط کشور نیز نباید صادر شود. به اعتقاد من باید سهام منطقه ای را دید».

### تصمیمات احساسی ممنوع

توسعه صنایع آب بر در فلات مرکزی ایران تاکنون سرانجامی جزو توهم آبی برای این مناطق در پی نداشته است. بسیاری از کارشناسان توسعه این مناطق براساس ظرفیت های خدادادی می کند گردشگری را پیشنهاد می دهند. نماینده مردم بافق در این باره می گوید: «رخی کارشناسان از گردشگری و در آمدزای بودن آن سخن می گویند برای این کار باید به زیرساخت های گردشگری توجه کرد. چه میزان برای ظرفیت های گردشگری سرمایه گذاری شده است. مواردی که باید روی آن ها مطالعات کارشناسی صورت گیرد. نباید احساسی و آنی برای آن ها تصمیم گیری کرد. باید برای آب بدون تعصبات محلی برنامه ریزی و تصمیم گیری شود. نمی توان منابعی مانند آب نفت سنگ، آهن را قطع کرد یا دید نگاهی ملی به این مساله داشت».

### جنگ آب آغاز شده است

در پروژه های انتقال آب اتفاقی که رخ می دهد زیر پا گذاشتن قانون است. این پروژه ها با لابی و فشار های سیاسی انجام می شود و هیچ گاه منتظر ارزیابی سازمان محیط زیست نمی مانند. محمد درویش با تاکید بر اینکه اتفاقی که دروزنه روی داد، قابل پیش بینی بود، به «قانون» می گوید: «همه انتظار این مساله را می کشیدند و اتفاق شگفت آوری نبود. همچنین برای نخستین بار نیز رخ نداده است. هنگامی که به جای در نظر گرفتن واقعیت های اقلیمی و جغرافیایی این سرزمین همچنان براساس غره شدن بر توان مهندسی و رفع نیازهای اجتماعی برنامه ریزی و تصمیم گیری انجام می شود متأسفانه دوباره چنین اتفاقی رخ خواهد داد. تازمانی که درک نکنیم آن موردی که در این کشور بحران آفرین است تنگناهای اقلیمی نیست بلکه نگاه غلط های مدیریتی برای تولید پول

## ایران گردی

### قلعه لک لک ها، روستای شکورچی



## ایران گردی

### ماز ندران، جزیره میانکاله



## ایران گردی

### ماز ندران، بندر امیر آباد

